

تحلیل مضمون تفکرات قالبی نسبت به قومیت (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان)

لیدا ناصری، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

مسعود کیانپور، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان*

چکیده

هدف اصلی این نوشتار بررسی تفکرات قالبی و نگرش گروه‌های مختلف قومی نسبت به یکدیگر است. منظور از گروه قومی، گروهی از انسان‌ها است که اعضای آن دارای ویژگی‌های نیایی و اصل و نسبی یکسان یا مشترک هستند. رویکرد این پژوهش مبتنی بر روش‌شناسی کیفی است و جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختارمند و تجزیه و تحلیل آنها نیز بر اساس تحلیل مضمون انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش را دانشجویان دانشگاه اصفهان تشکیل می‌دهند که از بین آنها ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری هدفمند به گونه‌ای انتخاب شدند که برای هر یک از گروه‌های قومی شش گانه (ترک، لر، فارس، بلوچ، عرب و کرد) تعداد کم و بیش یکسانی در نمونه وارد شوند. محتوای مصاحبه‌ها طی سه مرحله کدگذاری و یک مدل تماتیک از آن استخراج گردید که بیانگر وجود دو گرایش متضاد به طور همزمان است: از یک سو، نوعی احساس مبتنی بر انحصار طلبی قومی دیده می‌شود، به این معنا که هر یک از اقوام بر ویژگی‌ها و هویت قومی منحصر به فرد خویش تأکید می‌کنند و از سوی دیگر، نوعی چندگانگی قومی در میدان مورد مطالعه دیده می‌شود که با تأکید بر همبستگی ملی، اختلافات بین قومی را تا حدی کنار زده خیر عمومی را در راستای حفظ یکپارچگی و امنیت کشور مورد توجه قرار می‌دهد.

کلید واژه‌ها: قومیت، تفکرات قالبی، نگرش، تحلیل مضمون

مقدمه و بیان مسأله

سرزمینی که اکنون ایران نامیده می‌شود همواره زیستگاه اقوامی با فرهنگ‌های گوناگون بوده است. این سرزمین پیش از آمدن ایرانیان یعنی زمانی که هنوز به صورت یک کشور یکپارچه درنیامده بود، مسکن ایلامی‌ها، کاسیت‌ها، لولوبی‌ها و گوتی‌ها بوده است (گریشمن به نقل از گودرزی، ۱۳۸۴: ۲۱) و به دلیل شرایط آب و هوایی و موقعیت استراتژیک خود همواره در طول تاریخ محل عبور اقوام و ایلات مختلف و تعامل فرهنگ‌های متفاوت با قومیت‌های متنوعی بوده است. طبق تعریف، قومیت به معنای تعلقات کهن نسبت به مؤلفه‌هایی چون سرزمین اجدادی، تاریخ، افسانه مشترک، زبان، نژاد و فرهنگ است (عظیمی، ۱۳۸۵). قومیت، چگونگی تعلق به یک گروه قومی را نشان می‌دهد و شامل آگاهی نسبت به ریشه‌های تاریخی و سنت‌های مشترک است (مهری کارنامی، ۱۳۸۸: ۲). بر این اساس، هویت قومی به جمع کلی احساسات اعضای گروه در مورد ارزش‌ها، نمادها و تاریخ مشترکی که به آنها به مثابه گروهی مجزا هویت می‌بخشد، اطلاق می‌شود (رایس، ۱۳۸۷: ۳۰۰؛ به نقل از حاجیانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۷۷). در ایران تنوع قومی و ناهمگونی‌های قومی یکی از عوامل کاهش انسجام اجتماعی در طول تاریخ و به ویژه در دوره ظهور دولت - ملت و ملی‌گرایی‌های افراطی بوده است. همان‌طور که حسن پوریبیشه (۱۳۹۰: ۲) می‌گوید: «سیاست‌های پادشاهان صفوی برای ایجاد وحدت ملی و یکسان‌سازی مذهبی که به اسکان اجباری برخی از اقوام و مذاهب منجر شد از نظر تاریخی سرآغاز مسایل قومی، البته نه به معنای مدرن آن، در ایران است». با این وصف، طرح مسایل قومی در ایران به صورت امروزی آن، برای اولین بار در اواسط قرن بیستم و توسط جریان‌ات چپ و در چارچوب تحلیل‌های مارکسیستی مطرح شد (بیات، ۱۳۷۱؛ به نقل از سراج‌زاده و ادهمی، ۱۳۸۷: ۳). مسایل قومی در مقاطع تاریخی مختلف ایران از دوران مشروطه به بعد، سال‌های ۱۳۰۰، سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم و نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره تبدیل به خیزش‌های حاد سیاسی و گاه تحرکات خشونت‌آمیز

جدایی طلبانه شده است (حاجیانی، ۱۳۸۰ به نقل از سراج‌زاده و ادهمی، ۱۳۸۷: ۳).

تحولات جهانی پس از جنگ سرد به تشدید تعارضات قومی دامن زد و محیط سیاسی ایران نیز از این تحولات تأثیر پذیرفت. تحولاتی مانند ظهور کشورهای جدید در مرز شمالی ایران پس از فروپاشی اتحاد شوروی، ظهور و تشدید قومیت‌گرایی ترکان که از طریق ترکیه و جمهوری آذربایجان بر استان‌های ترک‌نشین ایران فشار وارد کرده‌اند، و تشدید معارضه کردهای ترکیه و کسب استقلال نسبی کردهای عراق با حمایت امریکا و ظهور طالبان در مرزهای شرقی کشور، همگی به تقویت گرایش‌های قوم‌گرایانه در برخی از مناطق کشور منجر شده است (اباذری و دیگران، ۱۳۸۳؛ به نقل از سراج‌زاده و ادهمی، ۱۳۸۷: ۳). در این میان تلقی و نگاه دولت‌ها متأثر از مسائل مختلفی از جمله پایگاه اجتماعی اقوام، به اتخاذ سیاست‌ها و الگوهای مدیریتی متفاوتی در قبال آنها منجر شده است اما منش ملی ایرانیان به آسانی این امکان را فراهم ساخته که فرهنگ‌های مهاجر و مهاجم در این سرزمین با هم در آمیزند و به اقتضای شرایط و متناسب با فرهنگ ایرانی تعدیل شوند. شاید به همین دلیل است که نظام فرهنگی و ساختار اجتماعی کشور ما در عین وحدت و یگانگی، توانسته است تکرر و تنوع قومی خود را حفظ نموده، در طول قرن‌ها با پویایی و بالندگی استمرار یابد. حضور گروه‌های قومی کرد، لر، بلوچ، ترکمن، آذری، عرب و معتقدان به ادیان دیگر از جمله زرتشتیان، کلیمیان، مسیحیان و صدها ایل و قبیله کوچک و بزرگ از قبیل بختیاری، شاهسون، قشقایی، بویراحمدی، باصری و غیره که همه زیر چتر عظیم فرهنگ و هویت ملی ایرانی زندگی مسالمت‌آمیزی دارند، مویده همین مطلب است.

با وجود این، هر قومیتی دارای رفتار، کردار، اخلاق و عقایدی است که در درون آن قوم رواج دارد و از این لحاظ با اقوام دیگر متفاوت و چه بسا متعارض است. در سال‌های اخیر دغدغه‌ها و نگرانی‌های موجود در خصوص تنوع فرهنگی و قومی در جامعه ایران و پیامدهای ناشی از آن،

اختلافات قومی در کشور کاست. زیرا یکی از ارکان مهم تحقق توسعه ملی و تقویت همبستگی اجتماعی وجود فضایی است که در آن اقوام مختلف بتوانند علی‌رغم تفاوت‌های مختلف به شکلی احترام‌آمیز باهم تعامل داشته باشند. بر این اساس، میدان مطالعه در این پژوهش دانشجویان خوابگاه‌های دانشگاه اصفهان است زیرا تنوع قومی در این خوابگاه‌ها معمولاً برجسته است به طوری که می‌توان افرادی از همه قومیت‌ها را آن یافت. بنابراین، مسأله اصلی در این پژوهش، کنکاش در تفکرات قالبی و نگرش‌های مربوط به قومیت‌های مختلف ایرانی با رویکردی کیفی است.

پیشینه تحقیق

با توجه به تکرر قومیتی و اهمیت نقش آن در ایجاد همبستگی و انسجام ملی در ایران، پژوهش‌های بسیاری در این حوزه صورت گرفته که هر کدام بعدی از این موضوع را مورد کاوش قرار داده‌اند. در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌گردد. مهری کارنامی (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی عوامل بالقوه چالش‌های قوم‌گرایی بر امنیت ملی پرداخته است. قوم‌گرایی در این مطالعه به معنای سیاسی شدن علائق زبانی، مذهبی و سایر مظاهر کهن و تبدیل شدن آن به عناصر اصلی بسیج سیاسی در فرایند سیاسی جامعه است. نتیجه‌ای که از این پژوهش به دست آمد حاکی از این است که امنیت ملی تنها به امنیت حاکمان یا گروه‌های اکثریت قومی در جامعه مربوط نمی‌شود بلکه تمام عناصر گوناگون چون زبان، مذهب، نژاد و منافع ملی را در بر می‌گیرد. بدین ترتیب امنیت ملی به سود همه قشرها و شهروندان موجود در درون مرزهای ملی جامعه است و هرگونه چالش یا تهدید نسبت به آن، تأثیر منفی خود را بر همه قشرها و گروه‌های اجتماعی به جا می‌گذارد. درویشی و امامی (۱۳۸۹) در پژوهشی دیگر درباره قومیت و همبستگی ملی، ضمن شناخت موقعیت‌های فعلی اقلیت‌های قومی در ایران و علل وقوع مناقشات قومی، به ارائه راه کارهای عملی در جهت ایجاد وفاق بین اقوام مختلف و تقویت همبستگی ملی بین آنان پرداختند. به نظر

سبب گردیده تا شرایط عینی برای احساس عدالت توزیعی در عرصه‌های ثروت، قدرت، منزلت و دانش در میان برخی از اقوام ایرانی درحد پایینی باشد و آنان از نوعی احساس تبعیض و محرومیت نسبی رنج ببرند. به نظر می‌رسد یکی از عوامل مؤثر بر تشدید این احساس تبعیض و نابرابری قومی، وجود نگرش‌هایی باشد که ریشه در تفکرات قالبی در مورد هر یک از اقوام دارد و خود را در قضاوت‌های ارزشی مردم نشان می‌دهد. حوزه‌های مطالعاتی روابط میان فرهنگی، روان‌شناسی اجتماعی و به ویژه «روان‌شناسی بین فرهنگی» زمینه مناسبی برای مطالعه روابط و مناسبات قومی، چه از نوع مسالمت‌آمیز و چه از نوع تعارض آمیز، فراهم می‌کنند. زیرا در این حوزه‌ها، تفاوت‌های فرهنگی و ارتباط آن با نسبیتهای فرهنگی مورد توجه است و به مقولاتی همچون پیشداوری، طرح‌واره‌ها، تعصبات، انعطاف‌پذیری، سازگاری روان‌شناختی، حساسیت‌های میان فرهنگی، و هیجانات بین فرهنگی پرداخته می‌شود (حاجیانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۷۰). بر این اساس، مفهوم نگرش اهمیت ویژه‌ای دارد و با وجود اینکه در سطحی گسترده مورد توجه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی بوده است اما نمی‌توان تعریف دقیقی از آن ارائه داد. نگرش غالباً به شکلی ابهام‌آمیز در معنای «ارزیابی‌هایی عمومی و بادوام ما از یک شی یا موضوع» تعریف می‌شود (Fabrigar and Wegener, 2010:177). یک نگرش می‌تواند به عنوان نوعی دانش شناختی نسبت به اشیا یا موضوعات مختلف در حافظه اندوخته شود و با ویژگی‌ها یا واکنش‌های احساسی خاصی نسبت به آنها همراه باشد. در علوم اجتماعی مفهوم نگرش برای بررسی موضوعات مختلف از جمله نگرش انسان‌ها به یکدیگر استفاده شده است. با توجه با اینکه قضاوت در مورد گروه‌های قومی ریشه در نگرش‌های موجود به اقوام مختلف دارد، مطالعه و کنکاش در مورد آنها می‌تواند به شناخت سوگیری‌های ذهنی افراد جامعه کمک کرده تا بتوان ضمن حذف تفکرات قالبی مبتنی بر تبعیض قومیتی، در راستای رفع موانع موجود بر سر راه توزیع عادلانه ثروت و امکانات ملی بین اقوام مختلف برآمد و در نهایت از وقوع

آن است. بنابراین آنها کاربرد مفهوم «کثیرالمله» در مورد ایران را بسیار ناروا می‌دانند و فدرالیسم را مناسب ایران نمی‌دانند. به نظر آنها دولت ایران باید با تکیه بر هویت ملی فراگیر که در برگیرند اجزا مختلف تمام گروه‌های ایرانی است، تحت یک دولت فراگیر، وحدت ملی را فراهم کند (۱۳۸۸: ۴۵).

تحقیق درباره قومیت با هویت ملی در مرتبط است. در پیمایشی توسط چلبی (۱۳۷۸)، عناصر مختلف هویت ملی مشخص شدند که از بین آنها بیشترین احساس نسبت به مناسک دینی و ملی و سرزمین و کمترین احساس نسبت به دولت و زبان فارسی ابراز شده است. آخوندی (۱۳۸۳) نیز در پژوهش خود به این نتیجه می‌رسد که پابندی نظری جوانان به هویت ملی و پابندی عملی آنان به هویت مذهبی از سایر ابعاد هویت ملی بیشتر است. همچنین بر اساس پژوهش رزازی‌فر (۱۳۷۷)، تعلق خاطر به هویت ملی بیش از هویت دینی است اما احساس عدالت توزیعی پاسخگویان در سطح پابندی قرار دارد. همان طور که مشاهده می‌شود، پژوهش در حوزه قومیت‌گرایی و یا هویت ملی با توجه به اهمیت موضوع، نسبتاً زیاد انجام شده است اما اکثر این پژوهش‌ها با استفاده از روش‌های کمی صورت گرفته و کمتر به مباحثی مانند تفکرات قالبی و نگرش‌های دارای سوگیری پرداخته‌اند. بنابراین پژوهش حاضر درصدد پر کردن این خلا پژوهشی در ادبیات تحقیق است.

مروری بر رویکردهای نظری

با توجه به اینکه این پژوهش به دنبال کنکاش و در تفکرات قالبی پیرامون قومیت است، در این بخش مفاهیم اصلی تحقیق و رویکردهای مورد استفاده در برخورد با آنها معرفی می‌شوند.

نگرش‌ها و تفکرات قالبی

مطابق با یکی از تعاریف متداول در روان‌شناسی اجتماعی، نگرش غالباً به شکلی ابهام‌آمیز در معنای «ارزیابی‌هایی عمومی و بادوام ما از یک شی یا موضوع» تعریف می‌شود

آنها، افزایش تراکم روابط میان اقوام به ویژه در سه حوزه تعاملی اقتصاد، فرهنگ و اجتماع می‌تواند موجب همبستگی ملی شود و همه اقوام را در عضویت اجتماع ملی قرار دهد و با تعمیق تعلقات و وفاداری‌های اقوام به اجتماع ملی، به ثبات و پایداری اجتماع ملی بینجامد. در مطالعه دیگری، نساج (۱۳۸۸) ضمن تأکید بر مؤلفه‌های زبان و آداب و رسوم، فرهنگ هویت‌های قومی را بررسی و این فرضیه را مطرح می‌کند که جهانی شدن در کوتاه مدت، هویت‌های قومی را برجسته می‌سازد و ممکن است به جنبش‌های قومی نیز منجر شود اما در نهایت به همانندسازی خرده فرهنگ‌ها در فرهنگ مسلط منجر خواهد شد. مطالعه مشابهی توسط شهرام‌نیا و تقی (۱۳۹۱) نیز مبین این است که جهانی شدن، فرصت‌هایی را در اختیار هویت‌های محلی می‌گذارد ولی نوعی نظم ارگانیک میان امواج جهانی شدن و پدیده‌های محلی - سرزمینی وجود دارد که اصالت را به انواع فرآیندهای جهانی شدن می‌دهد. بیانلو (۱۳۸۷) در مطالعه‌ای راجع به نگرش شهروندان زنجانی به قومیت‌گرایی، تأثیرات فعالیت‌های قومیت‌گرایانه بر کاهش وحدت و انسجام ملی را مورد توجه قرار می‌دهد. طبق نتایج این مطالعه، سن، جنسیت، درآمد و شغل افراد با نوع نگرش به قومیت‌گرایی ارتباط دارد و پاسخگویان معتقدند تجمعات قومیت‌گرایانه در استان مورد مطالعه اکثراً ناآگاهانه و غیرهدفمند صورت می‌گیرد. تحقیق دیگری در مورد ترجیحات هویتی در مناطق کردنشین (قادرزاده و قادرزاده، ۱۳۹۰)، حاکی از این است که پاسخگویان با شناسه‌های اجتماع قومی خود احساس یگانگی و همذات‌پنداری می‌کنند و با شناسه‌های اجتماعی ملی احساس تفاوت و تمایز دارند. با وجود این، کردهای مورد بررسی به لحاظ فرهنگی خود را با سایر اقوام ایرانی مشترک می‌دانند اما میان هویت ایرانی و حوزه سیاسی فاصله‌گذاری مشخصی انجام می‌دهند. معیدفر و رضایی (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای درباره وضعیت هویت قومی دانشجویان، به این نتیجه رسیدند که تنوع قومی در ایران در نفس خود تهدید نیست و زیبایی بافت مردم شناختی در ایران درست در همین وحدت در عین تنوع

میان فردی سخن گفت که با برقراری روابط صمیمانه و احساس دل‌بستگی در یک سوی طیف و بروز پیشداوری و شکل‌گیری احساسات منفی در سوی دیگر، قابل شناسایی هستند (انکینسون، ۱۳۸۸، به نقل از حاجیانی و اخلاقی، ۱۳۹۱). همچنین مطابق با نظریه طرح‌واره، طرح‌واره‌های ذهنی-شناختی بر فرایندهای استنباطی و تعاملات اجتماعی تأثیر می‌گذارند و موجب بروز سوگیری در باورها و دانش سازمان یافته درباره مردم، اشیاء، رویدادها و موقعیت‌ها، یعنی همان تفکرات قالبی، می‌شوند. شرایطی همچون مجاورت و شباهت، تماس در زندگی واقعی و در معرض دید بودن، می‌تواند بر چگونگی این تفکرات قالبی اثرگذار باشد. توجیه خود، پیدا کردن سپر بلا، نکوهش قربانی، تشدید احساس ناکامی و محرومیت نسبی، منافع اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی نیز از جمله دیگر دلایلی هستند که روان‌شناسان اجتماعی در بروز تفکرات قالبی و نگرش‌های منفی مؤثر می‌دانند. به هر حال تفکرات قالبی، صرف‌نظر از مثبت یا منفی بودنشان، به دو دلیل زیان‌آورند: (۱) مانع از آن می‌شوند که ما با هر یک از اعضای یک گروه خاص به عنوان فردی مستقل برخورد کنیم (۲) موجب استنادهای دروغین می‌شود و بر علتی که ما به رفتار دیگران نسبت می‌دهیم تأثیر سوء می‌گذارند. آرونسون به مثال جالبی در این زمینه اشاره می‌کند: در کشور آمریکا اگر فردی که دچار تفکرات قالبی نژادی است سطل زباله جلوی خانه یک سفید پوست را واژگون شده ببیند، به احتمال زیاد علت آن‌را به سگ‌های ولگردی نسبت می‌دهد که در جستجوی غذا هستند، اما اگر همین اتفاق جلوی خانه یک سیاه پوست بیفتد آن‌را به تنبلی، کثیفی و بی‌مبالاتی‌ای نسبت می‌دهد که در مورد سیاهان جامعه آمریکا تصور می‌شود (آرونسون، ۱۳۸۶: ۳۳۰). در روان‌شناسی اجتماعی، هرگاه تفکرات قالبی ماهیتی منفی و خصمانه داشته باشند ذیل پیشداوری مطالعه می‌شوند و هرگاه در رفتار و کنش متقابل بروز یابند تحت عنوان تبعیض بررسی می‌شوند. می‌توان گفت بر حسب شرایط اجتماعی- فرهنگی هر جامعه، تفکرات قالبی از انواع نژادی، قومی، طبقاتی، جنسیتی

(Fabrigar and Wegener, 2010:177). نگرش را معمولاً در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری مورد بررسی قرار می‌دهند. بعد شناختی ناظر به این نکته است که ما در مورد یک شی یا موضوع چگونه فکر می‌کنیم. بعد عاطفی احساس ما نسبت به آن شی یا موضوع را در مد نظر قرار می‌دهد و بعد رفتاری بر چگونگی رویکرد عملی ما در مواجهه با شی یا موضوع تأکید دارد. این مفهوم به شکل ویژه‌ای با دیگر مفاهیم کلیدی در روان‌شناسی اجتماعی، از جمله تفکرات قالبی، پیش‌داوری و تبعیض، ارتباط دارد. همه این مفاهیم معمولاً شامل ارزیابی‌های خاصی در مورد گروه‌های اجتماعی است. برای مثال در فرهنگ عامه ما ترک‌ها «سخت کوش»، اصفهانی‌ها «مقتصد»، جنوبی‌ها «خون‌گرم»، شمالی‌ها «مهمان‌نواز» و تهرانی‌ها «با کلاس» تلقی می‌شوند. تصویری که ما از اعضای سایر گروه‌ها و اقوام داریم، از باورهای ما درباره آنها شکل می‌گیرد. وقتی همه این باورها را قبول داریم و آنها را در مورد ویژگی‌های شخصی اعضای یک گروه خاص به کار می‌بریم، از تفکرات قالبی یا کلیشه‌ای صحبت می‌شود. در حقیقت، تفکر قالبی به هر نوع باور تعمیم یافته اطلاق می‌شود که به شکلی اغراق‌آمیز و اغلب نادرست درباره گروهی از مردم به کار می‌رود و سبب می‌شود ما تصور کنیم همه افراد آن گروه ویژگی معینی دارند (آرونسون، ۱۳۸۶). رواج تفکرات قالبی را در روان‌شناسی اجتماعی به عوامل گوناگونی نسبت می‌دهند. برای مثال در نظریه شناخت اجتماعی، اعتقاد بر این است که انسان‌ها به لحاظ شناختی خسیس اند^۱ و در صرف انرژی شناختی برای فهم دنیای اطراف خود امساک به خرج می‌دهند (Tylor, 1981; qul Baumeister, 2010:13). در نتیجه آنها برای ساده‌تر کردن دنیا و تصمیم‌گیری به راحتی دست به تعمیم می‌زنند و سپس قضاوت می‌کنند که مثلاً انگلیسی‌ها محتاط، آمریکایی‌ها برون‌گرا و اسکاتلندی‌ها خسیس‌اند، یا مثلاً همه سیاهان خرافه پرست، تنبل و خوش‌گذران‌اند. به همین شکل، در تبیین مناسبات انسانی می‌توان از جاذبه‌های

¹ Cognitive miser

و غیره می‌توانند با شدت و ضعف متفاوتی وجود داشته باشد. در سال‌های اخیر تفکرات قالبی قومی در کشور ما به سبب گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی و ورود افراد به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، نمود قابل توجهی به خود گرفته و برای مثال از طریق انواع لطیفه‌های قومی بازتولید می‌شود. لذا این موضوع از ضرورت پژوهشی زیادی برخوردار است.

قومیت و قومیت‌گرایی در دوران معاصر

یکی از بحث‌انگیزترین تئوری‌ها در حوزه علوم اجتماعی، تئوری نوسازی است که در راستای جریان‌ات صنعتی‌شدن، شهری‌شدن، افزایش ارتباطات و شبکه‌های حمل و نقل و همانندی، توسط بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی مورد بحث واقع شد. صاحب‌نظران این تئوری معتقدند که نوسازی در خلال حذف تمامی نشانه‌ها و خصلت‌های سنتی جامعه، به حذف هویت‌های قومی نیز منجر می‌شود. به عبارت دیگر، موج نوسازی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی، رشد عقلانیت، غیر دینی شدن باورها و اعتقادات، اجبارات زندگی شهری و سرعت سیستم‌های ارتباطی همگی موجب می‌شوند اختلافات در نشانه‌های اجتماعی کاهش یابد و گرایش‌های مبتنی بر حقوق شهروندی و یگانگی بیشتر فرهنگ که از جانب حکومت ابراز می‌شود، جانشین قومیت و گرایش‌های قومی می‌شوند. بر این اساس، می‌توان مدعی شد در جامعه ایران عوامل متعددی بر چگونگی روابط بین قومی تأثیرگذار بوده‌اند. برای مثال، نقش دولت مرکزی و نحوه اعمال اقتدار آن برای حاکمیت نظم در طول تاریخ، تغییر مستمر مراکز سیاسی، نقش عشایر در حکومت‌ها، وفاداری اقوام و عشایر در دفاع از سرزمین، سیاست‌های توسعه‌ای، رسانه‌ها، صنایع، رشد بازار، توسعه ارتباطات و سوادآموزی، مهاجرت و تحرک اجتماعی، فعالیت نخبگان قومی ملی‌گرا، یکپارچگی و ادغام اقتصادی و تکنولوژیک در سطح فرو ملی و فرا ملی، تأسیس دانشگاه، خدمت نظام وظیفه اجباری، استقرار نظام بوروکراتیک و ازدواج‌های بین فرهنگی (اتابکی، 1384: 25-35) به

نقل از حاجیانی و اخلاقی، 1391: 78). طبق ادعای نظریه نوسازی، می‌بایست طی فرایندهای مذکور تمامی چندگونگی‌ها و تعارضات و هویت‌های قومی همانند سایر وجوه سنتی در جوامع از بین بروند. اما شرایط حاکم بر دنیای واقعی، خلاف این پیش‌بینی را نشان می‌دهد. نمونه‌های متعدد حرکت‌های قومی در کشورهایی همچون بریتانیا، فرانسه، و کانادا نشان می‌دهد که پیش‌بینی‌هایی از جنس نظرات بالا دچار تناقض است. در کشور خود ما نیز تجربه مدرنیزاسیون حاکی از آن است که فرایند توسعه با منافی همراه است که رقابت بر سر این منافع ممکن است به افزایش کشمکش و تنش میان گروه‌های مختلف اجتماعی بینجامد و مقوله «ناحیه‌گرایی» را برجسته کند. در دوران گذشته هویت‌های تاریخی سالیان سال در کنار هم زندگی می‌کردند و کمتر به رقابت با یکدیگر می‌پرداختند اما توسعه به معنای ورود منابع و فرصت‌های جدید از یک سو و توزیع دست آوردها و منافع هنگفت از سوی دیگر است که این امر الزاماً به نحو عادلانه و رضایت بخشی صورت نمی‌گیرد. بنابراین توسعه می‌تواند موجب نارضایتی جمعی یک گروه نسبت به دیگر گروه‌ها شود و احساس محرومیت نسبی را افزایش دهد (حاجیانی و اخلاقی، 1391).

بنابراین در نقطه مقابل نظریه‌هایی مانند نظریه نوسازی، می‌توان از نظریه‌ای مثل نظریه تضاد نام برد که جامعه را صحنه‌ای می‌بیند که در آن گروه‌های متفاوت بر سر قدرت به نبرد مشغول‌اند و مهار این نبرد و ستیز به معنای آن است که یک گروه قادر است تا رقیبان دیگر را سرکوب نماید (افروغ، 1371: 34). بحث اصلی در این نظریه این است که قدرت و منزلت و به یک معنا موقعیت‌هایی که گروه‌های رقیب در جامعه دارند، می‌تواند در نگرش اجتماعی آنان در قبال هم اثرگذار بوده و در راستای ایجاد یک نظام قشربنندی به کار گرفته شود. طبق نظر کریس برگ (1386؛ به نقل از همان)، مهم‌ترین عوامل ایجاد کشمکش عبارتند از احساس همگنی اعضای گروه با یکدیگر، احساس ناهمگنی با گروه رقیب و شکل‌گیری مرزهای روشن و با ثبات بین گروه خودی و

همچنین آنان وابستگی‌های نیرومند ملی را بر اساس اهمیت عاطفه تحلیل می‌کنند که این تصویر عاطفی با تصویر گذشته متمایز گروه همراه شده و به نظریه کهن‌گرایی بعدی تاریخی می‌دهد و (۲) هویت ملی مدرن که به مکتب ایزارگرایان معروف است و احساس تعلق به دولت‌های ملی مدرن را که از قرون پانزدهم به بعد در اروپا و بعدها در سایر نقاط جهان ظهور کردند، مبنای کار خود قرار می‌دهد. نظریه‌پردازان این مکتب، ملیت، قومیت و نظایر آن را پدیده‌هایی برساخته و مدرن می‌دانند که ایزار دست‌نخبان سیاسی هستند و معمولاً بر عوامل سیاسی و قدرت بر پیدایش ملت و قومیت تأکید دارند (احمدی، ۱۳۸۸: ۹۵).

در بحث از قومیت و هویت ملی در ایران ما از یک سو شاهد همبستگی و اتحاد میان اقوام مختلف زیر چتر هویت ایرانی در سطح کشور هستیم تا جایی که اگر مشکلی کشور را تهدید کند همه قومیت‌ها باهم متحد شده و تا برطرف کردن آن مشکل یا از بین بردن آن تهدید با هم همکاری می‌کنند و از هیچ کمکی به هموطنان خود دریغ نمی‌ورزند اما از سوی دیگر می‌بینیم که هر کدام از این اقوام هویت خاص خود دارند و دارای فرهنگ، لهجه، لباس و فولکلور خاص خود هستند که این امر سبب شده هر قومی موجودیتی مستقل از دیگران برای خود قائل شود و گهگاهی شاهد بروز اختلاف بین اقوام باشیم. بنابراین می‌توان جنبه‌هایی از واقعیت را در هر یک از دو مکتب مذکور یافت. بر همین اساس است که نظریه‌پردازانی با تلفیق این دو رویکرد سعی کرده‌اند به دیدگاهی جامع‌تر دست یابند. با توجه با اینکه پژوهش حاضر با رویکرد کیفی به مطالعه تفکرات قالبی مربوط به قومیت می‌پردازد، نظرات مطروح شده در اینجا الهام‌بخش انجام مطالعه بوده‌اند اما برخلاف مطالعات کمی، ما به دنبال تأیید یا رد نظریه خاصی نیستیم.

روش‌شناسی

این تحقیق در پارادایم تفسیرگرایی و به شیوه کیفی صورت گرفته است. تحقیق کیفی یک حوزه‌ای بین رشته‌ای، فرا

رقیب. این عوامل موجب بروز رفتارهای خصمانه می‌شوند. احساسات و دیدگاه‌های طرفین رابطه، منابع در دسترس، هنجارها و شیوه‌های تفکر، احساس حقارت در برابر دیگران، ضربه روحی تاریخی و ایجاد حس انتقام، اعتقاد بر اینکه خشونت تنها راه چاره است و خشونت و تبعیض نژادی و قومی مجاز است، ازدیاد و گسترش موضوعات مورد مناقشه، قطبی شدن روابط و دخالت طرف‌های دیگر همگی در شدت‌گیری مخاصمات بین فرهنگی مؤثر هستند. کریس برگ تأکید دارد که کشمکش‌های طولانی مدت و حل‌نشدنی میان فرهنگ‌ها، عمدتاً هویت محور هستند (حاجیبانی و اخلاقی، ۱۳۹۱: ۷۹).

هویت ملی

هویت ملی و ملیت به رابطه میان فرد و یک واحد کلان سرزمینی یعنی بزرگتر از محل تولد، محل زندگی قوم و قبیله و حتی استان و ایالت اشاره دارد (احمدی، ۱۳۸۸: ۶۴) این نوع هویت کلان‌ترین و عالی‌ترین سطح هویتی برای فرد است و در مقایسه با دیگر هویت‌های اجتماعی نظیر هویت‌های دینی، نژادی، قومی و فرهنگی که از عناصر شکل‌دهنده هویت ملی‌اند، از استحکام و تداوم‌پذیری بیشتری برخوردار است. از نظر اسمیت (۱۳۸۳: ۳۰) هویت ملی بازتولید و بازتفسیر دائمی الگوی ارزش‌ها، نمادها، خاطرات، اسطوره‌ها و سنت‌هایی است که میراث متمایز ملت‌ها را تشکیل می‌دهند و تشخیص هویت افراد با آن الگو و میراث و با عناصر فرهنگی‌اش صورت می‌گیرد. طبق نظر احمدی (۱۳۸۸)، دو نوع هویت ملی را در تاریخ بشر می‌توان از هم تفکیک کرد: (۱) هویت ملی پیشامدرن که به مکتب کهن‌گرایان معروف است و بر احساس تعلق و وفاداری به واحدهای سیاسی و سرزمین کهنی که از دوران گذشته وجود داشته و تداوم پیدا کرده و امروزه نیز به همان نام وجود دارند، تأکید می‌کند. صاحب‌نظران این مکتب معتقدند ملت‌ها ریشه تاریخی و کهن دارند و بر رابطه میان خویشاوندی و قومیت و روابط عاطفی مردم دارای اجداد و سرزمین و فرهنگ مشترک تأکید می‌کنند.

افراد، اعتقادات، تجارب و احساسات آنها نسبت به قومیت خود و نیز دیگر اقوام طرح شد. از تمام پاسخگویان خواسته شد که در مورد تمام اقوام به سؤالات زیر پاسخ دهند:

۱. گروه‌های قومی مختلف را به لحاظ برتری فرهنگی چگونه اولویت‌بندی می‌کنید؟
۲. دوست داشتید جزء کدام گروه قومی باشید؟
۳. در مورد گروه‌های قومی مختلف چگونه فکر می‌کنید؟
۴. به نظر شما مهم‌ترین ایرادات و مزایای یک گروه قومی خاص چیست؟
۵. مهم‌ترین تجاربی که در برخورد با دیگر گروه‌های قومی داشته‌اید چه بوده است؟
۶. نظر شما در مورد لطیفه‌های مربوط به هر یک از اقوام خاص چیست؟

زمان و مکان مصاحبه‌ها

با توجه به جامعه آماری این مطالعه، غالب مصاحبه‌های انجام شده در فضای سبز محوطه دانشگاه، جایی که بتوان مکانی آرام و به دور از سر و صدا یافت، انجام پذیرفت. برخی از مصاحبه‌ها نیز در اتاق‌های خوابگاه، زمانی که هم‌اتاقی‌های افراد مصاحبه شونده حضور نداشتند، انجام شد. در خصوص زمان، هر مصاحبه به طور متوسط بین یک ساعت و ۴۵ دقیقه تا دو ساعت و ۲۰ دقیقه به طول انجامید.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با استفاده از تحلیل مضمون صورت گرفت. یعنی تحلیلی مبتنی بر استقرای تحلیلی که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد (محمدپور، ۱۳۹۰: ۶۶). ما نوعی از تحلیل مضمون را مورد استفاده قرار دادیم که در آن کدگذاری داده‌های گردآوری شده بر حسب سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت می‌پذیرد. برای تشریح فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها باید گفت که پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها روی کاغذ

رشته‌ای و گاه ضد رشته‌ای است که انسان‌گرایی را با علوم طبیعی و انسانی پیوند می‌دهد (Denzin and Lincoln, 2011:10). در پژوهش‌های کیفی محقق به دنبال کشف لایه‌های عمیقی از معنا، آن‌طور که توسط افراد مورد مطالعه تجربه و تفسیر می‌شود، دست به کنکاش و بررسی می‌زند. شیوه جمع‌آوری داده‌ها در پژوهش حاضر از نوع مصاحبه نیمه ساخت یافته است که با استفاده از «راهنمای مصاحبه» صورت می‌گیرد؛ یعنی فهرستی از سؤالات و موضوعات مکتوب که باید در یک توالی خاص دنبال شوند اما در صورت طرح مضامین جالب در خلال مصاحبه نیز دست محقق برای پرسیدن سؤالات پیش‌بینی نشده باز است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق از نوع نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع یا ناهمگونی است. در این راهبرد، محقق با شناسایی افرادی که دارای اطلاعات مرتبط با موضوع تحقیق هستند و اصطلاحاً «مطالعین»^۱ نامیده می‌شوند آغاز می‌کند و سپس طیف وسیعی از افراد مشابه به طور هدفمند انتخاب می‌شوند، به شیوه‌ای که همه انواع افراد در امتداد یا بر حسب یک یا چند بعد در تحقیق وارد شوند. یکی از دلایل استفاده از این روش آن است که کسی مدعی نشود محقق انواع خاصی از موارد را در نظر نگرفته است. فرایند نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی معمولاً تا زمانی ادامه می‌یابد که مصاحبه‌های جدید، اطلاعات بیشتری به موارد قبلی اضافه نکنند و محقق شاهد تکرار الگوهای داده‌ای باشد. در پژوهش حاضر، تنوع قومی مشتمل بر ۶ گروه (لر، کرد، فارس، ترک، عرب و بلوچ) در نمونه وارد شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. فرایند نمونه‌گیری تا ۳۰ مورد ادامه یافت و پس از آن محققان شاهد اشباع نظری داده‌ها بودند.

راهنمای مصاحبه

در این پژوهش، سؤالات مصاحبه بر اساس نوع شناسی سؤال‌های مصاحبه‌ای پاتون تنظیم گردیده است (محمدپور، ۱۳۹۰). بر این اساس، عمده سؤالات درباره تعلقات قومی

¹ Informant

برساخته‌های حاصل از فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها، با برساخته‌های اعضای جامعه مورد مطالعه؛ مقایسه شد و کدهای مستخرج از تحلیل دوباره به افراد مصاحبه شونده ارائه شد تا آنها نیز کدها را مورد ارزیابی قرار دهند و در صورت ابهام یا مخالفت با کدها، موارد مورد بحث قرار گیرد.

یافته‌های تحقیق

در این مطالعه ۳۰ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان مورد مصاحبه عمیق در خصوص نگرش‌های قومیتی خود قرار گرفتند. از بین افراد مزبور، ۱۲ نفر در مقطع تحصیلی کارشناسی، ۱۳ نفر در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد و ۵ نفر در مقطع تحصیلی دکتری مشغول به تحصیل بودند. از لحاظ ترکیب جنسیتی نیز ۱۵ دختر و ۱۵ پسر مصاحبه‌شوندگان این پژوهش را تشکیل دادند. وضعیت تأهل و میانگین سنی این افراد به گونه‌ای است که ۵ نفر متأهل و ۲۵ نفر مجرد بودند و از این تعداد، ۱۵ نفر در گروه سنی ۱۹ تا ۲۴ سال، ۱۱ نفر در گروه سنی ۲۵ تا ۲۹ سال و ۴ نفر در گروه سنی ۳۰ تا ۳۵ سال قرار داشتند. در رابطه با ترکیب قومی، از هر گروه قومی ۵ نفر مورد بررسی قرار گرفتند. در مرحله کدگذاری باز، ۷۱ کد به دست آمد که پس از ادغام آنها و مقایسه کدهای مشترک در مرحله دوم که همان کدگذاری محوری است، کدهای زیر استخراج شد:

- ۱- خودمداری قومی
- ۲- احترام بین قومی
- ۳- همبستگی بین قومی
- ۴- تفکرات قالبی قومی
- ۵- دوگانگی نگرشی
- ۶- لطفه‌های طنز قومی

در مرحله آخر نیز طبق فرایند کدگذاری گزینشی، دو کد چندگانگی قومیتی و انحصارطلبی قومیتی استخراج شدند. در ادامه به تشریح نتایج پژوهش در قالب سطوح سه گانه کدگذاری پرداخته می‌شود:

خودمداری قومی

و تولید داده متنی، اقدام به بررسی و طبقه‌بندی داده‌ها با ارجاع به سؤالات تحقیق کردیم. در مرحله اول یا کدگذاری باز، به بررسی متن برای یافتن مفاهیم مکنون در اطلاعات پرداختیم و با استفاده از رهیافت مبتنی بر مقایسه ثابت، تلاش کردیم مفاهیم را اشباع سازیم. به عبارت دیگر، ما به دنبال مواردی بودیم که مفاهیم را بازنمایی کنیم و تا زمانی که اطلاعات جدیدی پیدا نشد، به این کار ادامه دادیم. در این مرحله، تمام اطلاعات کدبندی شد و برای هر کد اولیه یک توضیح مختصر نوشته شد که از آن در ساخت مقوله‌های انتزاعی بعدی استفاده گردید. زمانی که مجموعه‌ای از مفاهیم اولیه استخراج شد، مفاهیم مشترک بر اساس مقایسه‌های ثابت بین شباهت‌ها و تفاوت‌ها در قالب مقوله‌های عمده‌ای دسته‌بندی شد. این همان فرایند کدگذاری باز متمرکز است. سپس مقوله‌های عمده بر اساس ابعاد دسته‌بندی شده در یک خط داستان به یکدیگر مرتبط شدند و به نگارش در آمدند. خط داستان باید مقوله‌های عمده را به صورت منطقی و تحلیلی به دنبال هم فهرست‌وار توضیح دهد و هر کدام را در ارتباط با دیگری و سپس در ارتباط با کل تعریف کند. به این، مرحله کدبندی محوری گفته می‌شود. کدبندی محوری به تنظیم تحلیلی و منطقی داده‌ها کمک می‌کند و زمینه را برای کدگذاری گزینشی و استخراج مقوله هسته‌ای فراهم می‌سازد. بعد از اتمام خط داستان، مقوله‌ای تحت عنوان مقوله «هسته‌ای» استخراج می‌شود.

ارزیابی اعتبار پژوهش

در بحث ارزیابی تحقیق کیفی به مسأله اعتبار بیش از پایایی توجه می‌شود. یکی از مسائل ارزیابی اعتبار تحقیق کیفی این است که چگونه می‌توان روابط مورد مطالعه را به روایت محقق از آنها پیوند داد. به عبارت دیگر این روابط چه شکلی می‌داشتند اگر در آن لحظه موضوع تحقیق تجربی قرار نمی‌گرفتند؟ و آیا روایت محقق مبتنی بر روایت‌های موجود، در زندگینامه مصاحبه شونده‌گان و در نتیجه مبتنی بر موضوع تحقیق است یا خیر؟ (فلیک، ۱۳۹۰). در این تحقیق

به طور کلی، این پاسخگویان معتقدند هر قوم، فرهنگ و خصوصیات مختص به خود را دارد که در جای خود ارزشمند است و همه باید به این ویژگی‌ها احترام بگذارند.

«اینکه بعضی می‌گن ما بهترین و دیگران این‌طور نیستن، فقط گفته آدمای بی‌تفکره، هر قومی به نوبه خودش باارزشه و فرهنگی مختص به خود داره که نمی‌شه گفت برتر یا فروتر از دیگرانه... در واقع می‌تونیم بگیریم که ما تفاوت فرهنگی و قومی داریم نه برتری فرهنگی و قومی، پس باید به این تفاوت‌ها دقت کرده و در قبال همدیگه رفتاری محترمانه و مؤدبانه در پیش بگیریم» (مصاحبه شماره ۲۹).

همبستگی بین قومی

موضوع همبستگی بین قومی به میزان اتحاد و برابر پنداشتن قومیت‌ها برمی‌گردد. نتایج مصاحبه‌ها حاکی از آن است که گروه‌های قومی کرد و لر و همچنين ترک و فارس حس همبستگی بیشتری با همدیگر دارند تا با سایر گروه‌های قومی. به عنوان مثال، می‌توان به نظر یک پاسخگوی لر در این زمینه اشاره کرد که می‌گوید: «من در وهله اول با کردها، بعد با بقیه احساس خودمونی بودن دارم...» (مصاحبه شماره ۲۰). به همین شکل، یک پاسخگوی کرد معتقد است:

«لرها از خودمون تفاوت چندانی با هم نداریم اصلاً اسم یکی از شهرهای لرنشینمون با کلمه کرد اومده [شهرکرد] که این خود گواه بر همزیستی و اشتراک فرهنگی و قومی ما با اوناست. بعد از لرها، من فارس و عرب و بعد بلوچ و ترک را در اولویت همبستگی قرار می‌دم» (پاسخگوی شماره ۱۴). یکی از پاسخگویان فارس هم ابراز می‌کند:

«با ترک‌ها احساس وابستگی بیشتری دارم تا اقوام دیگه، به عنوان مثال می‌تونم بگم به‌عنوان هم اتاقی، ترجیح می‌دم با یه ترک هم اتاق باشم» (مصاحبه شماره ۶).

در خصوص اقوام دیگر، عرب‌ها سوگیری خاصی نسبت به اقوام مختلف ندارند و همه را با دیدی مبتنی بر برابری می‌نگرند، در حالی که بلوچ‌ها احساس همبستگی ضعیفی از

نتایج حاصل از مصاحبه‌ها بیانگر این است که همه افراد مورد مصاحبه در این پژوهش دارای نگرشی خودمدارانه نسبت به گروه قومی خویش هستند و از این تعلق قومی احساس رضایت و دل‌بستگی زیادی دارند. حتی در برخی موارد یک دید فرادستی نسبت به سایر گروه‌های قومی قابل رؤیت است که در این میان، گروه‌های قومی ترک و کرد مستقیماً تعصب خود را نشان دادند و نگاهی برتری‌جویانه به قومیت خود دارند. برای مثال، پاسخگویانی از گروه قومی کرد صراحتاً اعلام می‌کنند که:

«کردها از سایر اقوام برتر و با فرهنگ‌ترند، اقوام دیگر اصالت قومیت مارو ندارن فقط مدعی بافرهنگ بودن هستن بافرهنگ بودن شعار نیست باید در عمل اونو نشون داد» (مصاحبه‌های شماره ۱۲ و ۱۳).

و یا یک پاسخگوی ترک می‌گوید:

«ترک‌ها در خیلی از موارد از اقوام دیگر برتر بوده و حتی فرهنگی غنی‌تر و پربارتر از دیگران دارند، مثلاً آگه شما برید آمار تحصیل‌کرده‌های کشورو در بیارین می‌فهمین که اکثریتشون ترکنده» (مصاحبه شماره ۳).

به همین شکل، پاسخگوی لر:

«قوم فقط قوم لر، ما می‌تونیم الگوی همه جانبه‌ای واسه دیگران باشیم تا با تقلید از ما، اونا هم به این درجه از کمال برسن» (مصاحبه شماره ۱۱)

و در نهایت پاسخگوی فارس:

«از فارس بودنم خیلی راضیم چون راحت‌تر می‌تونم از سوی سایر گروه‌های قومی مورد پذیرش قرار بگیرم، تقریباً همه، فارس‌ها رو قبول دارن، خب البته خصال نیکو هم در فارس‌ها بیشتر از قومیت‌های دیگه پیدا می‌شه...» (مصاحبه شماره ۶).

احترام بین قومی

در مقابل نگرش‌های خودمدارانه فوق، پاسخگویان دیگر با نگاهی احترام‌آمیز به گروه‌های قومی غیرخودی نگرسته و نه تنها قصد اهانت به سایر اقوام را ندارند بلکه برتری خاصی هم در زمینه فرهنگی بین گروه‌های قومی مختلف نمی‌بینند.

نکته اشاره می‌کنند که برخورد با اقوام نباید به گونه‌ای باشد که احساسات تجزیه طلبانه را دامن زند و انسجام یا همبستگی کشور در معرض تهدید قرار گیرد. برای مثال، یکی از پاسخگویان می‌گوید:

«کردها آدم‌های خیلی افراطی‌ای هستند و چون بعضی اوقات ادعای تجزیه طلبی دارن، همواره باید با آنها برخورد خوبی داشته باشیم تا این طرز فکرون از بین بره» (مصاحبه شماره ۳).

تفکرات قالبی قومی

تفکرات قالبی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های نگرش‌های منفی قومیتی است که همان طور که در بیان مسأله نیز مطرح شد، می‌توانند منشأ بسیاری از رویکردهای غلط و اعمال تبعیض در مواجهه با اقلیت‌های قومی باشد. قالبی معرفی کردن گروهی از مردم در یک الگوی غیر متنوع که در آن تفاوت‌های فردی لحاظ نمی‌شود، به تولید نابرابری‌های اجتماعی منجر می‌گردد (ولز و همکاران، ۱۳۸۳). تفکرات قالبی ریشه در سوگیری‌های شناختی دارند و حاصل تعمیم‌های کلی ما در مورد گروهی از مردم بر پایه اطلاعات ناقص یا نادرست هستند. این پیشداوری‌ها به ویژه زمانی مشکل‌آفرین می‌شوند که واجد یک صفت یا ویژگی منفی و حتی خصومت‌آمیز باشند. متأسفانه در این مطالعه نیز ما با مواردی از قضاوت‌های نادرست که ریشه در تفکرات قالبی دارند مواجه هستیم. پاسخگویان قومیت را با صفات خاصی همراه می‌کنند که می‌توان آنها را در قالب تفکرات قالبی بررسی نمود. برای مثال، بیشتر پاسخگویان روحیه «جنگجویی» و صفت «ساده لوحی» را به قوم لر نسبت می‌دهند:

«لرها آدم‌های خیلی ساده‌لوحی هستند و بعضی اوقات رفتارهای ساده لوحانه از خود بروز می‌دهند، اما به هر حال این قوم نیز جزء اقوام ایران است و هر چی باشه در همبستگی کل سرزمین ایران نقش دارن و در زمان جنگ تحمیلی رشادت‌های زیادی از خود نشان دادند به همین علت نباید به خاطر یک خصلت نامطلوب ویژگی‌های خوب دیگر این قوم را نادیده

خود نشان می‌دهند و چه بسا در مواجهات بین قومی حتی قومیت خویش را کتمان کنند. همان طور که یکی از پاسخگویان بلوچ می‌گوید:

«من با هیچکدام از اقوام راحت نیستم و فقط با افراد قوم خودم احساس آرامش می‌کنم. ما دقیقاً مثل اعضای یه خانواده می‌مونیم مگه می‌شه با غریبه‌ها مثل اعضای خانواده خودت راحت باشی؟» (مصاحبه شماره ۲۸).

متأسفانه سایر اقوام نیز حس همبستگی چندان خوبی با قوم بلوچ ندارند و به نظر می‌رسد در پی وقایع سال‌های اخیر در استان سیستان و بلوچستان، از جمله شرارت گروه‌های معاند و افرادی مانند عبدالمالک ریگی، نوعی احساس عدم اطمینان نسبت به این قومیت به وجود آمده است. اما در سایر موارد، افراد مورد مطالعه در مجموع مایل به برقراری تعاملات بین قومی در کشور هستند و ضمن اذعان به وجود تفاوت فرهنگی، اعتقاد دارند آشنایی با آداب و رسوم، باورها و اعتقادات دیگر اقوام می‌تواند به انسجام و همبستگی ملی منجر شود. همان طور که یکی از پاسخگویان می‌گوید:

«چرا ما نباید با هم آشنا بشیم و در معرض رفتارها و برخوردهای مثبت و منفی همدیگه قرار بگیریم؟ به نظر من باید یکی از سیاست‌های دولت این باشه که تداخل قومیتی از لحاظ مکانی داشته باشیم تا زمینه آشنایی و همبستگی بیشتر اقوام فراهم بشه» (مصاحبه شماره ۱۲).

همچنین، پاسخگوی دیگری معتقد است:

«مهم نیست که با کدوم گروه قومی راحت باشیم، مهم اینه که با کسانی متفاوت از خودمونم رابطه داشته باشیم. حتی اگه اختلافاتی هم وجود داشته باشه یا به وجود بیاد، بعضی اوقات باید با تعارضات روبرو شد تا در نهایت توافق جلوه زیبای خودشون رو نشون بده... و حتی خود این تعارضات می‌توانند اساس وفاق و همزیستی مسالمت‌آمیز را فراهم کنند» (مصاحبه شماره ۶).

در راستای همین بحث، برخی از پاسخگویان به این

گرفت» (مصاحبه شماره ۱).

همچنین نظر یک پاسخگوی غیرلر حاکی از آن است که: «درسته که لرها گهگاهی بازی درمی‌یارن و به خاطر همین موضوع هم شاید با برخورد نامطلوب از جانب دیگران مواجه بشن ولی شجاعتشون کم نظیره، مخصوصاً لرهای بختیاری که از دو طایفه هفت لنگ و چهار لنگ تشکیل شدند همیشه تفنگ به دست بوده و هستند. اگه به تاریخ برگردیم می‌بینیم که جریان مشروطه رو هم بختیاری‌ها رهبری کردند نمی‌شه گفت شجاع‌ترین قوم هستند ولی نسبت به بقیه ترس‌ترند» (مصاحبه شماره ۹).

به همین شکل، پاسخگوی دیگری می‌گوید:

«این همه می‌گن لرها اند، اند و اگه همین اوصاف رو به هر قومیت دیگه‌ای نسبت می‌دادند حداقل دیگه نوعی احساس ضعف در خودشون احساس می‌کردند ولی لرها این‌جوری نیستند و با اعتماد به نفس بالا با کسانی که آنها را با این القاب خطاب می‌کنند مواجه می‌شن، این خود به روحیه جنگجویی شون برمی‌گرده که حالا یا واقعاً ذاتی بوده و یا در اثر جامعه‌پذیری به دست اومده» (مصاحبه شماره ۱۱).

به اعتقاد افراد مورد مطالعه، صفات «غیرتمندی» و «تعصب مفرط» از آن قوم کرد است:

«کردها رو ببینید تعصب از سروروشون می‌باره، تعصب تا حدی خوبه ولی نه دیگه تا این حد، هر کاری می‌خوان بکنن حتی آب هم بخورن تعصب توش هست..... بعد خودشون اسمشو می‌زارن غیرت، آخه غیرت این جوریه؟ هرچند من خودم منکر غیرت کردها نیستم، واقعاً رو متعلقاتشون حالا هرچی که باشه غیرت دارنند و با جون و دل ازش محافظت می‌کنن حتی دوستای جنس مخالفشون که هیچ نسبت رسمی‌ای باهاشون ندارن. خوش به حال هرکی با اینا دوست می‌شه.....» (مصاحبه شماره ۱۰).

به همین شکل، یک پاسخگوی ترک معتقد است:

«کردها واقعاً تعصبی‌اند بعد میان این صفت رو در

مورد ما به کار می‌برن، نمی‌گم ما تعصبی نیستیم ولی خدایی‌ش اینا دیگه خیلی افراطی‌اند. جالب اینجاست که من به چشم خودم دیدم که زناشونم تعصبی وافر نسبت به همه چی دارنند مخصوصاً زن‌های سالخورده، تا اندازه‌ای خوبه که انسان به افراط حساس باشه ولی باید مواظب باشه که به افراط کشیده نشه چون واقعاً راه پیشرفتو می‌بنده، در ضمن باید با زمان جلو رفت و حساسیت‌های جدیدی از جمله تعصب پیشرفت علمی، همبستگی ملی و... را جایگزین اونا کرد تا هم بتونیم بدرخشیم و هم زندگی سهل‌تر بشه» (مصاحبه شماره ۵).

در خصوص قومیت ترک نیز متأسفانه اظهار نظرهای

کلیشه‌ای از شدت بیشتری برخوردار است و در برخی موارد به توهین و استهزاء می‌انجامد. ترک‌ها مردمانی تلقی می‌شوند که از آنها «رفتارهای عجیب و غریب» سر می‌زند و به همین دلیل «مایه خنده دیگران» می‌شوند.^۱ در مقابل، برخی پاسخگویان، ترک‌ها را روشنفکر و دارای استعداد بالا می‌دانند. همان‌طور که از نقل قول زیر توسط یک پاسخگوی غیر ترک برمی‌آید:

«بیشتر ترک‌ها باهوشن و روشنفکر، اگه برین وضعیت قومیتی نخبگان کشوری رو بررسی کنید می‌بینید که بیشترشون ترکن، خیلی هم واسه رسیدن به اهدافشون تلاش دارن..... افرادی هم که خلاف اینو نظر دارن خودشونم خوب می‌دونن که این نظر واقعیشون نیست فقط تحت تأثیر جمع قرار می‌گیرن و حالا یه لافی می‌یان» (مصاحبه شماره ۵)

تفکرات قالبی پیرامون قوم فارس حاکی از وجود نوعی احساس «غرور» و «تفاخر» در مواجهه این قوم با دیگر

^۱ به دلیل وجود واژه‌های نامناسب و برخی اظهار نظرهای توهین‌آمیز از آوردن برخی نقل قول‌ها معذوریم. البته این مسأله در مورد یک گروه قومی خاص مصداق ندارد. اظهارات توهین‌آمیز درباره هر گروه یا شخصی که باشد از نظر نویسندگان این مقاله محکوم است. در حقیقت انگیزه اصلی تحقیق در این حوزه نیز به وجود همین تفکرات قالبی بر می‌گردد که نه تنها برای گروه‌های قومی خاص آزاردهنده‌اند، بلکه مانع توسعه و همبستگی ملی نیز هستند.

مردم فکر می‌کنن اونا خیلی ادعا دارن ولی من می‌گم که نه همشون این جور نیستن و باید باهاشون گرم گرفت تا بفهمیم چقدر برای بقیه ارزش فائلند، اونا منطقی‌تر برخورد می‌کنند و تقریباً همه جنبه‌های اخلاقی و رفتاری به نحو متعادلی در وجودشون نهفته است نه مثل بقیه که به بعد رو تا عرش و به بعد رو تا فرش می‌برند. البته فارس‌های اصیل و تقریباً پایتخت نشین منظومه نه مهاجرای تهران رفته یا کسانی که در اثر ازدواج به رگه‌شون فارسه» (مصاحبه شماره ۲۹).

در خصوص قوم بلوچ نیز اظهارنظرها از دوگانگی زیادی برخوردار است. از یک سو، برخی بلوچ‌ها را مردمانی «زحمت کش»، «مظلوم» و «ستم‌دیده» می‌دانند که از طرف حاکمیت توجه چندانی به آنها نمی‌شود (یکی از پاسخگویان بلوچ هم بر این مسئله تأکید فراوان دارد) و از سوی دیگر، نوعی احساس «قوم هراسی» در بین افراد مورد مطالعه نسبت به قوم بلوچ مشاهده می‌شود که تا حد زیادی ریشه در عدم اطلاعات دقیق و مسائل سیاسی و درگیری‌های امنیتی استان سیستان و بلوچستان دارد. همان طور که یکی از پاسخگویان می‌گوید:

«از اینکه بخوام با اونا [بلوچ‌ها] مواجه بشم می‌ترسم آخه ریگی هم بلوچی بود و از قدیم گفتند مشت نمونه خرواره!...» (مصاحبه شماره ۹).

همچنین، پاسخگوی دیگری:

«در مورد قوم بلوچ نگرش من کاملاً منفی است. به خاطر ریگی، ولی می‌ترسم با اونا برخورد خوبی نداشته باشم، بالاخره هر چی باشه اونم از بلوچی‌ها بود و فقط خود ریگی تنها که نبود، چندین نفر دیگه هم باهاش بودن. البته جنایات دیگری هم از جانب فرقه‌های دیگه بلوچی صورت گرفته که خیلی وحشتناکه و همین جریانات باعث می‌شه نوعی ترس درونی در قبایل این قوم در انسان ایجاد بشه، هر چند که همه بلوچی‌ها هم اینجوری نباشن» (مصاحبه شماره ۴)

در مورد قوم عرب، متأسفانه این تفکر قالبی که آنها به

اقوام ایرانی است. یکی از پاسخگویان غیر فارس، از کلمه «نازپروردگی» (مصاحبه شماره ۳۰) برای توصیف این ویژگی‌ها استفاده کرد و پاسخگوی دیگر از «رفتار موقر» (مصاحبه شماره ۱) سخن گفت. به اعتقاد پاسخگویان غیرفارس، این حالت ناشی از عمومیت داشتن، مشروعیت و رسمیت فراگیرتر این گروه قومی در سطح کشور است:

«...فارس‌های ناز نازی، بپاین یه وقت موقعیت‌تونو از دست ندین، چون خودتون که چیزی ندارین همش صدقه سری دولته، خوشم میاد اینام شرایط زندگی ما رو واسه مدتی تجربه کنند ببینم می‌تونند حتی یک روز تحمل کنند، بعد میان واسه ما کلاس هم می‌زارن آخه بگو به چی خودتون می‌نازین و چی تو چتته دارین؟» (مصاحبه شماره ۱۷).

به همین شکل:

«والا من نمیدونم این همه غرور از کجا اومده، البته شاید اگه ما هم موقعیت اونارو داشتیم همین‌جوری می‌شدیم ولی به‌رحال انسان باید در هر جایگاهی عزت نفس و فروتنی خودشو حفظ کنه اون موقع می‌شه گفت که واقعاً طرف یه ارزشی داره نه اینکه به صرف اینکه حالا خب چون من فارسم پس از بقیه برترم و می‌تونم برشون غلبه کنم و باید بهترینها واسه من باشه، این تفکرات غلطه. من باید به اکتساباتم افتخار کنم نه به انتساباتم» (مصاحبه شماره ۲۲).

در مقابل اظهار نظرهای فوق، پاسخگویان غیرفارس هم

یافت می‌شوند که اعتقاد دارند:

«خداییش جدای از همه مخالفت‌هایی که بین قومیت خودم با فارس‌ها می‌بینم ولی دور از انصافه که طرز رفتار و گفتارشونو ستایش نکنیم، البته فارس‌های اصیل منظومه که واقعاً متین و مؤدبند. من خودم این قدر این ویژگی هاشونو دوست دارم که با وجود تموم مشکلات پا شدم از شهر خودم رفتم تهران تا بچه‌هام اونجوری بار بیان و زندگی کنن» (مصاحبه شماره ۲۵).

و نیز:

«نظرم در مورد فارس‌ها اینه که با وجود اینکه اغلب

نگرش مطلوب‌تری نسبت به این گروه قومی نشان می‌دهند: «ما که فاصله زیادی با مناطق عرب نشین کشورمون نداریم بیشتر باهاشون آشناییم، واقعاً مردمان خونگرم و بامرامی‌اند، باید برین خودتون ببینین که چقدر باحالند. ما نباید بدون آشنایی با یک قوم به پیشداوری در موردشون دست بزنینم» (مصاحبه شماره ۲۰).

و نیز:

«من با عرب‌ها بیشتر از ترک‌ها و فارس‌ها بودم و اینکه هی می‌گن عرب‌ها جاهل و تعصبی‌اند و از قدیم دشمن عجم بودند همش از سوی کسانی بوده که می‌خواستن تخم کینه رو بین عجم و عرب بیفکنن و گرنه ما الان چندین ساله که با این قوم در ارتباطیم و به اندازه قوم خودم ازشون بدی ندیدم» (مصاحبه شماره ۲۹).

«فرهنگ جاهلیت» تعلق دارند در تعداد محدودی از پاسخگویان قابل مشاهده است: «صد سال دیگه هم که بگذره بازم اینا [عرب‌ها] جاهلن، اصلاً جهل توی خونشونه، دست خودشون نیست، نمی‌تونن تغییر کنن، هرکاری هم بکنن تغییرپذیر نیستند» (مصاحبه شماره ۲). همچنین، پاسخگوی دیگری می‌گوید:

«در مورد عرب‌ها چون قبلاً زنده به گور کردن دختران در عربستان رواج داشته، تصور چندان خوبی ندارم ولی اگر از جهت دیگری به آنها نگاه کنیم، به هر حال چون از قومی هستند که ائمه معصوم متعلق به آنهاست سعی می‌کنم ارزش قائل شوم و احترام بگذارم» (مصاحبه شماره ۱۸).

به سبب گستردگی ارتباطات بین قومی، تمام پاسخگویان نگرش‌های منفی مثل چند مورد اخیر ندارند. به طور خاص، کردها و لرها به علت هم‌جواری و ارتباط بیشتر با عرب‌ها،

جدول ۱- تفکرات قالبی نسبت به اقوام مختلف

گروه قومی	لر	فارس	عرب	ترک	بلوچ	کرد
مثبت	جنگجو	مرفه، متعادل	قوی	روشنفکر	سخت‌کوش	غیور، زیبا
		خوش‌لهجه	خونگرم	باهوش	مظلوم	مهمان‌نواز
منفی	ساده لوح	مغرور، حساس	جاهل	نادان، خنده دار	بدقیافه، جنایتکار	متعصب، بدلهجه
	بدلهجه	نازپرورده	جدایی طلب	متعصب، جدایی طلب	جدایی طلب	جدایی طلب

دوگانگی نگرشی

مورد یک قومیت خاص فکر می‌کنند و رفتاری که در مقابل اعضای آن نشان می‌دهند دچار دوگانگی هستند:

«شخصاً از کردها به خاطر یه سری دلایل خوشم نمی‌یاد ولی خب با چندتاشون ارتباط نزدیک دارم یکی از هم اتاقیم، یکی از هم‌کلاسی‌ام و چندتاشون از فامیلامون کرد هستند، همیشه باهاشون برخورد خوب دارم طوری که اصلاً متوجه این طرز تفکر من در مورد خودشان نمی‌شوند چون در غیر این صورت اختلاف و دردرس پیش می‌اد و از قدیم گفتند سری که درد نمی‌کنه دستمال نمی‌بندند» (مصاحبه شماره ۱۸).

به همین شکل، پاسخگوی دیگری معتقد است:

دوگانگی نگرشی^۱ به شرایطی اشاره دارد که در آن نگرش به یک شی همزمان شامل ارزیابی‌های مثبت و منفی است و یا بین ابعاد مختلف نگرش اختلاف وجود دارد (Fabrigar and Wegener, 2010). برای مثال، ممکن است ما یک کالا را به لحاظ شناختی، مثبت ارزیابی کنیم اما در بعد رفتاری تمایلی به مصرف آن نداشته باشیم و یا از نظر احساسی دچار تناقض شویم و برعکس. آنچه در این مطالعه به دست آمد، حاکی از وجود دوگانگی نگرشی در خصوص برخی ابعاد نگرش‌های قومی است. برای مثال، برخی از پاسخگویان بین آنچه در

^۱ Attitudinal ambivalence

به سبب آن هویت ملی ما تکوین یافته، شاهد بقا و تداوم نوعی همبستگی درونی در بطن هر یک از گروه‌های قومی نیز بوده‌ایم. این پژوهش بر مبنای مفاهیم نظری مختلفی انجام گرفت و با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های برآمده از آن می‌توان گفت خودمداری قومی، تفکرات قالبی و دوگانگی نگرشی‌ای که در بین افراد مورد مطالعه مشاهده شد حاکی از وجود نوعی انحصارطلبی قومی است که محصول آن، تأکید هر یک از قومیت‌های مختلف بر ویژگی‌های منحصر به فرد خویش و ترسیم یک هویت قومی منسجم با تأکید بر برتری درون قومی و ابراز برخی تفکرات قالبی و کلیشه‌ای نسبت به سایر اقوام است. این گرایش انحصارطلبانه، نشان می‌دهد که اقوام مختلف چگونه هم به لحاظ برخی عوامل فرهنگی مانند تفاوت‌های زبانی و تجربه‌های خاص تاریخی و هم به لحاظ عوامل اقتصادی و سیاسی مانند تبعیض در توزیع امکانات، سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی، حقوق مدنی و میزان مشارکت سیاسی، خود را نسبت به اقوام دیگر متفاوت می‌بینند. اما با وجود نگرش‌های متناقض، این امکان نیز وجود دارد که افراد همزمان دیگران را هم دارای صفات مثبت بدانند و هم صفات منفی و یا اظهاراتی به زبان آورند که نشان دهد نگرش آنها در یک بعد مثبت و در بعد دیگر منفی است. نگرش‌ها به هیچ وجه امور ساده‌ای نیستند که بتوان در مورد آنها حکم کلی صادر کرد.

از طرف دیگر، یافته‌های پژوهش حاکی از احترام قائل شدن اقوام نسبت به یکدیگر، وجود انواعی از همبستگی‌های قومیتی و قبیح شمردن طنزه‌های قومی است که این ما را به نوعی از چندگانگی قومی رهنمون می‌سازد. زندگی مسالمت‌آمیز بین گروه‌های مختلف قومی و تقسیم وظایف از دیرباز در کشور ما وجود داشته، به طوری که می‌توان ادعا کرد چندگانگی قومی در ایران تاریخ بسیار کهن‌تری از چندگانگی فرهنگی فعلی در کشورهای غربی دارد. این چندگانگی میراثی ارزشمند برای بقای کشور و صیانت از مرزها و حفظ یکپارچگی ملی است. بنابراین، برای رفع موانع موجود در برابر نابرابری‌های قومی و ایجاد یک جامعه عدالت

«من می‌دونم که لرها کم دارند و خیلی ساده‌اند ولی هیچوقت به روشن نمی‌ارم و حتی خیلی وقتا شده که ازشون تعریف و تمجید بسیار هم کردم البته نه اینکه من آدم دورویی باشم! بلکه شرایط ایجاب می‌کنه که این جور ی برخورد کنم و گرنه سنگ رو سنگ بند نمیشه، هر چند ممکنه که اونام همین شیوه رو در قبال خودم یا قومیتم اتخاذ کنن» (مصاحبه شماره ۲۹).

لطیفه طنزهای قومی

در خصوص لطیفه‌های قومی بیشتر پاسخگویان اعتقاد دارند که نباید به طنزپردازی قومیتی پرداخت چون هر قومی نقاط ضعف و قوتی دارد و نباید آن را به شوخی گرفت. در نقطه مقابل، عده‌ای بر این نظر هستند که اعمال خود اقوام سبب می‌شود این طنزها از سوی دیگران ساخته شود. عده‌ای هم نظر مثبتی راجع به شوخ طبعی قومی دارند و می‌گویند این طنزها صفات برجسته هر قوم را بزرگ‌نمایی می‌کند و زمینه آشنایی بیشتر با آنها را فراهم می‌آورد. همچنین، اگر قومی صفت ناپسندی داشته باشد که تاکنون متوجه آن نبوده، بدین وسیله می‌تواند از وجود نقص آگاهی یابد و سعی در راستای حذف یا تغییر آن نماید.

«من خودم یه سری رفتارها رو از بعضی قومیت‌ها دیدم که واقعاً جای خنده داشت و همین امر کافی بود تا این رفتار به عنوان یه طنز معرفی بشه، البته بنظرم نباید این موضوع طنزپردازی قومی رو منفی تصور کنیم چون میتونه موجب آگاهی سازی و بعدش رفع نواقص رفتاری قومیت‌ها از سوی خودشون بشه» (مصاحبه شماره ۲۶).

نتیجه

سرزمین ایران همواره در برگیرنده اقوام و گروه‌های قومی مختلف در بستر تاریخی گسترده بوده است، اقوامی که در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند و بین مردم این سرزمین یک همبستگی ملی و آرمان جمعی را تجلی داده‌اند اما در کنار این همبستگی ملی که یکی از مهم‌ترین عوامل بقای کشور است و

همان طور که در ابتدای مقاله هم اشاره شد، اهمیت و دامنه تأثیرگذاری فراوان مناسبات و روابط بین فرهنگی موجب شده است که ارتباطات بین فرهنگی در چندین رشته علمی و دانشگاهی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد که از جمله آنها رشته روان‌شناسی اجتماعی است. طبقه‌بندی ما از انواع تفکرات قالبی و تحلیل داده‌ها بر حسب مقوله‌های مجزا، صرفاً جنبه کارکردی دارد و به منظور ساده‌سازی و فهم بهتر داده‌ها صورت پذیرفت. تلاش محققان بر آن بود تا با ارائه نقل قول‌های متنوع، فرصتی را در اختیار افراد دخیل در مطالعه قرار دهند تا از زبان خود به بیان دیدگاه‌ها و نظرات شخصی‌شان بپردازند و به خوانندگان بالقوه نیز پیشنهاد می‌شود که درک و استنباط شخصی خویش را شکل دهند. همان طور که دی^۳ (1993:52) می‌گوید: مطالعات کیفی به جای آن که عمارت‌های باشکوهی بسازند، بیشتر به ساخت دیوارهایی منجر می‌گردند که زمینه را برای مطالعات بعدی فراهم می‌کنند.

محور که در آن هریک از قومیت‌های مختلف بتوانند از امکانات ملی بهره برده و توانایی‌های بالقوه خود را به منصفه ظهور برسانند، باید ضمن تأکید بر ویژگی‌ها و هویت‌های منحصر به فرد قومی، در راستای تعدیل تفکرات قالبی و احساسات خاص‌گرایانه بکوشیم تا شاهد همبستگی و هم‌افزایی هرچه بیشتری بین قومیت‌های مختلف باشیم. برای دستیابی به این هدف، باید از خانواده و مدرسه، یعنی نهادهایی که فرایند جامعه‌پذیری و سال‌های سرنوشت ساز کودکی را رقم می‌زنند، شروع کرد تا به کودکان نگرشی مبنی بر اینکه همه افراد این جامعه اعضای یک کشور هستند و تفاوت در زبان، لباس و فرهنگ به منزله برتری یک قوم بر دیگری نیست، آموزش داده شود. همچنین، وظیفه خطیر حاکمیت در ایجاد بستری مناسب و دسترسی برابر سایر اقوام به منابع ملی تعریف می‌شود تا هیچ قومیتی دچار محرومیت نسبی نگردد و خدشه‌ای در تعلقات ملی ایجاد نشود. برای مثال، در سطح ظاهر و هنگام پرداختن به مسائلی در رسانه ملی که با قومیت ارتباط دارد، احتیاط اندیشی و ظرافت بیشتری در عمل لازم است. سریال تلویزیونی «سرزمین کهن» که در آن به شکلی ناخواسته یکی از اقوام کشور مورد توهین قرار گرفت، مثالی گویا است از اینکه چگونه عدم توجه به حساسیت‌های قومی می‌تواند مشکل ساز باشد.^۱ همچنین، تجلیل از موفقیت‌های تیم ملی والیبال ایران با شعار «پیروزی تاریخی برای مردان پارسی» در حالی در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و برخی خبرگزاری‌های دولتی صورت گرفت که چند نفر از اعضای این تیم به گروه‌های قومی غیر فارس تعلق دارند و همین مسأله موجبات دلخوری برخی جوانان غیر فارس را فراهم کرد.^۲ بنابراین با توجه کافی به حساسیت‌های قومی در رسانه ملی می‌توان امیدوار بود که زمینه تبادل نظر و برخورد سازنده اقوام با یکدیگر فراهم شود.

^۱ برای اطلاعات بیشتر به نشانی اینترنتی زیر مراجعه کنید:

<http://www.ibnanews.ir/vdcb.0bwurhb8siupr.html>

^۲ برای مثال، به نشانی اینترنتی زیر مراجعه کنید:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920901000934>

جدول ۲- مراحل سه گانه کدبندی اولیه، محوری و گزینشی

تفکرات قالبی قومیت‌ها نسبت به یکدیگر		
کدبندی گزینشی	کدبندی محوری	کدبندی اولیه
	خودمداری قومی	برتری اقوام مختلف از نظر خود
انحصار طلبی قومیتی	تفکرات قالبی	کردها: متعصب، غیرتی، زیبایی جسمانی، بد لهجه، مهمان نواز لرها: جنگجو، ساده لوحی لرها، بدلهجه عربها: جاهلیت، نیرومند، خونگرم فارس ها: مغرور، خوش لهجه، لوس، مرفه بلوچ ها: زحمت کش، سخت کوش، مظلوم، بدقیافه، جنایتکار ترکها: روشنفکر، نادان، خنده دار، متعصب، باهوش تفاوت بین سوگیری فکری و واکنش عملی در مورد اقوام مختلف
	دوگانگی نگرشی	نادان و باهوش بودن همزمان ترک ها شجاعت و ساده لوحی همزمان لرها جنایتکار و مظلوم بودن همزمان بلوچ ها احساس احترام متقابل اقوام نسبت به یکدیگر
	احترام بین قومی	همبستگی قوم لر و کرد همبستگی قوم ترک و فارس همبستگی قوم لر و کرد با قوم عرب عدم همبستگی بین اقوام مختلف و قوم بلوچ نادرست بودن انتساب لطفه ها به اقوام، طنز به دلیل عمل خود اقوام دید مثبت به طنزهای قومی
	احترام بین قومی	همبستگی بین قومی
چندگانگی قومیتی	طنزهای طنز قومی	

محدودیت پژوهش

به عنوان یک محدودیت کلی، باید اذعان کرد که نتایج مطالعات کیفی را نمی توان به راحتی تعمیم داد. بنابراین شاید یافته های حاصل از این پژوهش در مورد سایر محیط های دانشگاهی و گروه های قومیتی خاص مصداق نداشته باشد و چه بسا اگر همین موضوع در زمان دیگری یا توسط محققان دیگری دنبال شود به نتایج متفاوتی برسد. به همین نسبت، در مورد تعمیم دادن نظرات حاصل از مصاحبه با چند نفر به کل افراد آن قومیت نیز باید با احتیاط عمل کرد و حتی الامکان از تعمیم های نادرست اجتناب نمود.

منابع

آخوندی، محمدباقر. (۱۳۸۳). *هویت ملی - مذهبی جوانان*,

قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

آرونسون، ا. (۱۳۸۶). *روان شناسی اجتماعی*، ترجمه: حسین شکر کن، تهران: انتشارات رشد، چاپ هشتم.
احمدی، ح. (۱۳۸۸). *بنیادهای هویت ملی ایران: چهارچوب نظری هویت ملی شهروند محور*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
احمدی، ح. (۱۳۸۳). *ایران: هویت، ملیت و قومیت*، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
اسمیت، آ. (۱۳۸۳). *ناسیونالیسم*، ترجمه: نظریه ایدئولوژی تاریخ، ترجمه: منصور انصاری، انتشارات تمدن ایرانی.

افروغ، ع. (۱۳۷۱). «مروری بر پیش فرض های اساسی نظریه

ستیز در جامعه شناسی»، *رشد آموزش علوم*

اجتماعی، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۳۳-۳۷

- بیانلو، ی. (۱۳۸۷). «بررسی جامعه‌شناختی نگرش شهروندان زنجان به قومیت‌گرایی - مطالعه موردی پان ترکیسم»، *مجله مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۱۶، صص ۷۳-۹۲
- حاجیانی، ا. و آ. اخلاقی، (۱۳۹۱). «کیفیت روابط میان فرهنگی در جامعه ایران و عوامل مؤثر بر آن» *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ش ۲۸، صص ۶۷-۹۰.
- حسن پوربیشه، م. ح. (۱۳۹۰). *بررسی نقش هویت قومی بر انسجام اجتماعی در ایران (مطالعه موردی قوم لر)*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان.
- چلبی، م. (۱۳۷۸). *هویت قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران*، تهران: دفتر امور اجتماعی وزارت کشور.
- درویشی، ف. و امامی، ا. (۱۳۸۹). «قومیت‌ها و همبستگی ملی در جمهوری اسلامی ایران (چالش‌ها و راهکارها)»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال هفتم، ش ۲۰، صص ۱۱۷-۱۴۴.
- رزازی‌فر، ا. (۱۳۷۹). «الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۵، صص ۷-۱۰۷.
- سراج‌زاده، ح. و ادهمی، ج. (۱۳۸۷). «بررسی تفاوت‌های قومیتی دانشجویان از نظر فعالیت در کانون‌های فرهنگی دانشگاه‌ها»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال اول، ش ۲، صص ۱۳۵-۱۵۸.
- شهرام‌نیا، ا. م. و عبدالسلام، ت. (۱۳۹۱). «جهانی شدن و تأثیر آن بر قومیت‌گرایی»، *مجله پژوهش‌های سیاسی*، سال دوم، ش ۵، صص ۱-۱۷.
- عظیمی، م. (۱۳۸۵). «قومیت و قوم‌گرایی»، *نشریه علوم سیاسی*، ش ۱۷۷، صص ۶۴-۶۵.
- فلیک، ا. (۱۳۹۰). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی، چاپ سوم.
- قادرزاده، ا. و قادرزاده، ه. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر ترجیحات هویتی در مناطق کردنشین»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال هشتم، ش ۱۷، صص ۱۰۳-۱۳۳.
- گودرزی، ح. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی هویت در ایران*، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- محمدپور، ا. (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی؛ ضد روش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، جلد اول و دوم.
- معیدفر، س. و رضایی، ع. ر. (۱۳۸۸). «تحلیلی بر وضعیت هویت قومی در جامعه ایران؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران». *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ش ۳، صص ۱۹-۴۸.
- مهری کارنامی، م. (۱۳۸۸). «آسیب‌شناسی تأثیر قومیت‌گرایی بر امنیت ملی»، *مجله حصون*، ش ۱۹، صص ۱۶۶-۱۸۲.
- نساج، ح. (۱۳۸۸). «جهانی شدن و هویت قومی در ایران؛ با تأکید بر مؤلفه‌های زبان و آداب و رسوم»، *فصلنامه تخصصی پژوهش سیاست‌نظری*، دوره جدید، ش ۵، صص ۱۲۹-۱۵۶.
- ولز، و. و دیگران. (۱۳۸۳). *تبلیغات تجاری اصول و شیوه‌های عمل*، ترجمه: سینا قربانلو، تهران: انتشارات مبلغان.
- Baumeister, R. (2010) "Social Psychologists and Thinking about People". In: *Advanced Social Psychology: The State of the Science*, Roy Baumeister, and Eli J. Finkel, (Eds.) Oxford: Oxford University Press. Pp. 5-24.
- Dey, I. (1993) *Qualitative Data Analysis: A User Friendly Guide for Social Scientists*. NY: Routledge.
- Fabrigar, Leandre R. and Duane T. Wegener (2010) "Attitude Structure". In: *Advanced Social Psychology: The State of the Science*, Baumeister, Roy. F. and Eli J. Finkel, (Eds.) Oxford: Oxford University Press. Pp. 217-262.
- Denzin, Norman K. and Yvonna S. Lincoln (2011) *The Sage Handbook of Qualitative Research*, Sage Publications.